

بررسی و نقد دیدگاه ایمانوتل کانت در اراده نیک با تأکید بر قرآن و نهج البلاغه^۱

معصومه غریب* / احمد حسین فلاحی** / ابراهیم نیک صفت*** / سید حسن بطحائی****
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

چکیده

اراده نیک، مفهوم کلیدی اخلاق، در نظام‌های کانت و اسلامی مقایسه شده است. کانت آن را مبتنی بر تبت خالص و عقلانیت می‌داند که خیریت آن مستقل از نتایج عمل است. اخلاق اسلامی در قرآن و نهج البلاغه بر تبت برای رضای خدا تأکید کرده و تنها این اعمال را ارزشمند می‌شمارد. امام علی ع نقش تبت خالص را در تعیین ارزش اعمال برجسته کرده‌اند. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جایگاه تبت در اخلاق کانت و اسلام پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد کانت عقل را مبدأ اخلاقی و اسلام خدا را مبدأ آن می‌داند. دیدگاه اسلامی جامع‌تر است، زیرا علاوه بر انگیزه درونی، ارتباط با عبادت الهی، پاداش اخروی و تعظیم خدا را لحاظ می‌کند. کانت برای کسب اراده نیک همبازی الهی را ضروری می‌داند و تحول درونی انسان را شرط می‌گذارد، در حالیکه اسلام تبت خالص را از طریق ایمان و تعامل با خدا تحقق می‌دهد. این تفاوت‌ها مبانی اخلاقی، نقش تبت و ارزش‌گذاری را آشکار می‌سازد. اخلاق اسلامی با در نظر گرفتن ابعاد معنوی، دیدگاه گسترده‌تری ارائه می‌دهد و بر همراهی تبت با اعمال خارجی تأکید دارد، در حالیکه کانت بیشتر بر انگیزه درونی متمرکز است. این تفاوت‌ها رویکرد تک‌محوره کانت را در مقابل چندبعدی بودن اخلاق اسلامی برجسته می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

کانت، اراده نیک، اسلام، قرآن، نهج البلاغه و تبت.

۱. برگرفته از: معصومه غریب، بررسی و نقد دیدگاه ایمانوتل کانت در اراده نیک با تأکید بر نهج البلاغه، رساله دکتری، استاد راهنما دکتر احمد حسین فلاحی، پیام نور قم. ایران. ۱۴۰۳
* دانشجوی دکتری معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
** استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران.
*** استادیار گروه معارف دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
**** دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

masoomeh.gharib@gmail.com

Hmdfalah@yahoo.com

Eniksefat@pnu.ac.ir

bathaei@pnu.ac.i.ir

ایمانوئل کانت در تعیین معیارهای ارزش‌های اخلاقی به موضوع نیت و انگیزه توجه و تأکید ورزیده است. از نظر او فقط زمانی کردار یک فاعل اخلاقی دارای ارزش اخلاقی است که با انگیزه و اراده خیر صورت گرفته باشد. به عبارتی دیگر فعل تنها در صورتی با انگیزه خوب همراه است که در ادای تکلیف (از سر وظیفه عمل کردن) باشد نه مطابق تکلیف؛ اما مقصود از نیت اخلاقی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه، یعنی قصد و اراده نیک داشتن در انجام فعل و انتخاب آن‌ها بر طبق رضایت ذات احدیت؛ از این رو یکی از معیارهای مهم در قرآن و نهج‌البلاغه برای تعیین ارزش اخلاقی، نیت فاعلی (حسن فاعلی) است؛ چرا که نیت به معنای کشش و توجه نفس به هدف نهایی در انجام یک فعل است و اهمیت آن در ارزش فعل اخلاقی، مورد قبول متکلمان و فیلسوفان اخلاق است (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۰۱؛ جعفری، بی‌تا: ۴۳۱؛ سروش، ۱۳۷۳: ۱۴۵ و مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۱۶۸) و اکثر کتاب‌های اخلاقی، عرفانی و فقهی و حتی منابع دینی به موضوع نیت و مراتب و انواع آن پرداخته‌اند (برقی، ۱۳۳۰: ق: ۳۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۷۰؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۸۳). این مقایسه از این جهت موجه و مشروع است که هر دو نظام اخلاقی به بررسی ماهیت عمل اخلاقی می‌پردازند، اما در مبنای ارزش‌گذاری تفاوت بنیادین دارند. کانت بر "اراده نیک" و انجام عمل صرفاً به خاطر وظیفه و بدون توجه به غایت تأکید دارد، در حالی که قرآن و نهج‌البلاغه ارزش عمل را متکی به "نیت الهی" و ارتباط فاعل با خداوند می‌دانند.

این پژوهش از آن جهت اهمیت دارد که با تأکید بر نقش محوری نیت خالصانه برای رضای خداوند در متون اسلامی، ضرورت یکپارچگی فاعل و فعل، قلب و عمل و نیز ارتباط معنوی انسان با خدا را در قیاس با اخلاق کانتی که فاقد ضمانت اجرایی و عاطفه الهی است، برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که نیت اخلاقی در اسلام نه تنها یک معیار ارزشی، بلکه روح و جان عمل انسان است.

هدف این پژوهش، بررسی جایگاه نیت در ارزش اخلاقی عمل از منظر کانت، قرآن کریم و نهج‌البلاغه و مقایسه معیارهای ارزش‌گذاری اخلاقی بر اساس نیت است. همچنین، تحلیل نقاط اشتراک و افتراق دو نظام اخلاقی وظیفه‌گرایانه و غایت‌گرایانه در قضاوت درباره صحت و اصالت عمل اخلاقی مدنظر است.





این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و از طریق جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای، در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد: اراده نیک ایمانوئل کانت در مقایسه با نیت در نظام اخلاقی معارف اسلامی در چه جایگاهی قرار دارد؟ سپس نقاط اشتراک و افتراق این دو مفهوم را بررسی و تحلیل می‌کند.

پیشینه پژوهش

حسن یا قبح فاعلی یکی از پایه‌های مهم نظام اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه است. این رکن که از آن به «نیت» نیز تعبیر شده است، آن‌چنان بر عملکرد فاعل تأثیرگذار است که گاه‌آ در متون اسلامی از آن تحت عنوان هویت و اساس عمل یاد می‌شود. اما با وجود اهمیت آن، تعداد کمی از مکاتب اخلاقی در بطن نظام ارزشی خود، آن را مورد واکاوی قرار داده‌اند. مقاله «تأثیر نیت بر ارزش اخلاقی عمل از دیدگاه قرآن کریم» تألیف محمد باقریان خوزانی و محمود رجبی (۱۳۹۳) از جمله پژوهش‌های صورت گرفته است. نویسندگان پس از بررسی مبانی نظری، به این نتیجه می‌رسند که در قرآن کریم ما با دو دسته از آیات مواجه هستیم. گروه اول، آیاتی که تأثیر نیت بر عمل را نشان می‌دهند و گروه دوم، آیاتی که تأثیر نیت بر نتیجه عمل را بازگو می‌کند. سپس در پایان نتیجه می‌گیرند نیت عمل، یکی از پایه‌های مهم ارزش اخلاقی عمل محسوب می‌شود.

مجتبی مصباح نیز در مقاله‌ای نقش نیت در ارزش اخلاقی را در دو سطح مورد بررسی قرار داده است در سطح اول، به این نتیجه رسیده است که نیت علاوه بر آن که در شکل‌گیری عمل اختیاری نقش دارد، تعیین‌کننده مقدار ارزش رفتار اختیاری است. در سطح دوم، نتیجه می‌گیرد نیت تنها چیزی است که اصالتاً ارزش غیر اخلاقی دارد. او ادعای خود را با روش عقلی اثبات کرده و در پایان، از قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مؤیداتی برای نتایج خود آورده است.

علی رهنما نیز در مقاله «نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی» (۱۳۹۰) به این پرسش‌ها پاسخ داده است که آیا نیت در ارزش‌دهی به فعل نقش دارد؟ چگونه با نظریه حسن و قبح ذاتی فعل سازگار می‌شود؟ در این راستا، ابتدا به واکاوی نیت پرداخته، سپس به نظریات موجود راجع به نقش نیت اشاره کرده و در ادامه با انتخاب نظریه نقش نیت در دو بعد فعل و فاعل، به رابطه آن با نظریه حسن و قبح ذاتی پرداخته و دلایلی را بیان نموده است. زهرا موسوی (۱۳۹۰) هم در مقاله‌ای تحت



عنوان «نیت اخلاقی از دیدگاه قرآن و کانت»، نتیجه می‌گیرد قرآن به موضوع نیت، نگاهی جامع‌تر دارد و این تفاوت ناشی از مبانی و اصولی است که این مکاتب برای اخلاق قائل هستند. محمد عباسزاده جهرمی و معصومه مصلی‌نژاد نیز در مقاله «جستاری بر حسن و قبح عقلی از دیدگاه نهج البلاغه» (۱۴۰۰)، با رویکردی تحلیلی - توصیفی و آوردن تعابیر متعددی نگرش نهج البلاغه را به مسئله حُسن و قبح به تصویر کشیده‌اند که نه تنها پایه‌های اصلی حسن و قبح، فطری و عقلی است بلکه خود حسن و قبح نیز به طریق اولی بایستی عقلی باشد.

«واکاوی تاثیر انواع نیت بر ارزش عمل از منظر نهج البلاغه» (۱۳۹۶) تالیف فاطمه مرضیه حسینی کاشانی که مؤلف در پی اثبات آن است که نیت می‌تواند در حکم فعل حسن یا قبح باشد، فعل غیر اخلاقی را به اخلاقی تبدیل کند و به فعل حسن، ارزش ویژه ببخشد و فعل حسن را به فعل قبیح تبدیل کند. همچنین فعل بدون نیت نیک فاعل، ارزش اخلاقی مثبت ندارد و اگر انسان از عملی که اقتضای خوب بودن را داراست سعادت اخروی را نیت کند، عمل او ارزش اخلاقی قرب‌آفرین دارد. اما اگر فقط مطلوب دنیوی را در نظر بگیرد، عمل او ارزش اخلاقی محدود دنیوی دارد ولی ارزش اخلاقی قرب‌آفرین ندارد.

از آنجا که تاکنون مقالات منتشرشده به نوعی نیت را در ارتباط با فعل و فاعل مورد بررسی قرار داده‌اند، این پژوهش به بررسی و نقد دیدگاه کانت در اراده نیک با تأکید بر قرآن و نهج البلاغه پرداخته است. از این‌رو ضمن نگاهی گذرا به معنا و مفاهیم نیت و دیدگاه اسلام در مورد نیت، نظر کانت درباره اراده نیک بیان خواهد شد. در ادامه وجوه تشابه و تمایز آنها در این دو مکتب بیان می‌شود.

پیشینه پژوهش موجود، مطالعاتی را در حوزه نیت در نظام اخلاقی اسلامی معرفی کرده، اما فاقد مقایسه تطبیقی با فلسفه کانت است. پژوهش‌های پیشین بیشتر توصیفی و درون‌محور بوده‌اند و به نقد فلسفی نپرداختند. مقاله حاضر با ترکیب تحلیل تطبیقی و نقد فلسفی، شکاف تحقیقاتی مهمی را پر می‌کند. این مقاله به‌طور خاص به مقایسه «نیت» در قرآن و نهج البلاغه با «اراده نیک» کانت می‌پردازد. از این‌رو، دارای نوآوری محتوایی و روش‌شناختی نسبت به آثار قبلی است.

از آنجا که تاکنون مقاله یا پژوهشی به‌صورت تطبیقی در این باره صورت نگرفته و تنها مقالاتی تحت لوای نیت و نظام اخلاقی و ارزشی به‌صورت مستقل و جداگانه منتشر شده، نگارنده به بررسی و نقد دیدگاه ایمانوئل‌کانت در اراده نیک با تأکید بر قرآن و نهج البلاغه پرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی

در پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش، بررسی دقیق و تحلیلی مفاهیم بنیادی این دو مکتب اخلاقی، ضرورت دارد. این مفاهیم، از جمله «اراده نیک» و «نیت» در فلسفه کانت و همچنین «نیت» و «قصد قربت» در اخلاق اسلامی، نقش محوری در تبیین تکالیف و ارزش‌های اخلاقی ایفا می‌کنند. تبیین این مفاهیم نه تنها به درک عمیق‌تر هر یک از این دو نظام اخلاقی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را در تعیین ملاک عمل اخلاقی و مسئولیت‌پذیری انسان آشکار سازد.

۱-۱. اراده نیک

«اراده» در لغت به معنای خواستن، میل، قصد و آهنگ است (نک: لغتنامه دهخدا) و در اصطلاح، به معنای خواستن و دوست داشتن چیزی و نیز تصمیم گرفتن برای انجام کاری آمده است. به عبارت دیگر اراده یعنی انسان براساس آگاهی، کاری را انجام می‌دهد و بدون آگاهی و توجه به چیزی نمی‌تواند به آن علاقمند شود و دنبال تحقق آن برود (اخوان، ۱۳۷۳: ۷۳).

اراده نیک از جمله مفاهیمی است که کانت به آن پرداخته است. به نظر او اراده نیک یعنی اراده فاعلی که با تکلیف عقلی آن در تطابق باشد و این موضوع نشانگر آن است که کانت در ارزش‌های اخلاقی به نوعی یک وظیفه‌گراست (Duty-oriented). او وجود خدا را برای پذیرش ارزش‌های اخلاقی از سوی فاعل، پیش فرض می‌داند و ارزش‌های اخلاقی را فی حد نفسه احکامی مطلق برمی‌شمرد.

۱-۲. نیت

«نیت» به معنای اراده، قصد، عزم و آنچه از قصد که به دل گیرند، معنی شده است (نک: لغت‌نامه دهخدا) و در اصطلاح، عبارت است از قصد و اراده‌ای که انسان را به کاری تحریک کند. طوسی معتقد است: «نیت، قصد انجام دادن فعل و واسطه بین علم و عمل است؛ زیرا تا چیزی دانسته نشود، ممکن نیست قصد شود» (مشکینی، ۱۳۸۰: ۶۴). ماهیت نیت عبارت است از لحاظ کردن و در نظرگرفتن غایت و هدف فعل هنگام انجام آن (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸۳؛ مدنی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۰؛ مطهری، ۱۳۸۴: ۶۴۳). در اسلام اخلاقی بودن کار و ارزشمندی هر فعلی به نیت آن بستگی دارد و کاری اخلاقی و ارزشمند است که برای جلب رضای خداوند صورت یگیرد.



چنان‌که در عروة الوثقی آمده است: «نیت، قصد برای انجام فعل با عنوان امتثال و قربت است» (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲ق: ۲۰۸) و «آنچه موجب قرب به خداوند می‌شود اعمالی است که ناشی از ایمان به خدا، معاد و نبوت همراه با تقوا باشد» (رجبی، ۱۳۸۱: ۲۰۸). از همین روست که در متون دینی نیت بیش‌تر با سه صفت خلوص (النیه الخالصه، الاخلاص فی النیه)، صدق (النیه الصادقه، الصدق فی النیه) و صلاح (النیه الصالحه) (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۳ و آمدی، ۱۳۶۶)، «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» و «لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّهِ» (برقی، ۱۳۳۰ق: ۳۳؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۸۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۷۰) به کار رفته است.

۲. مبانی فلسفی نیت در نظام اخلاقی ایمانوئل کانت

۲-۱. اراده نیک و نیت اخلاقی از دیدگاه کانت

از نظر کانت دیدگاه‌ها و رویکردهای اخلاقی انسان‌ها بر دیگر آیینی و بر خودآیینی اراده استوار است. دیدگاه اخلاقی کانت از سنخ دوم است و کانت بر نظریات اخلاقی پیش از خود به این جهت که همه آن‌ها دیگر آییند، می‌تازد و آن‌ها را رد می‌کند. «کانت خودمختاری اراده را اصل‌اعلای اخلاق و یگانه اصل کلیه قوانین اخلاقی و تکالیف متناظر آن‌ها می‌داند». برعکس، تابعیت اراده «منشاء کلیه اصول کاذب اخلاقیات» است (کاپلستون، ۱۳۸۰: ج ۶، ۳۳۶). کانت معتقد است که سرچشمه هر نوع ارزشی اراده نیک است. شروع کتاب مابعدالطبیعه اخلاق وی با این عبارت است: «هیچ چیز در جهان و حتی بیرون از آن را نمی‌توان در اندیشه آورد که بی‌قید و شرط خوب دانسته شود مگر نیت یا خواست خوب» (کانت، ۱۹۶۵: ۱۳). و هیچ چیز دیگر نمی‌تواند که با آن برابری کند و ازچنین اطلاقی در خوب بودن برخوردار باشد. امور بسیاری وجود دارند که در اوان امر، خوب به نظر می‌رسند، مانند استعداد، دلیری، همت، ثروت، تندرستی، شادمانی و... ولی اگر به این امور با دقت نگاه شود می‌فهمیم که اگر همراه آن‌ها قصد و اراده و نیتی که می‌خواهد از این‌ها استفاده ببرد خوب نباشد، همه این‌ها نه تنها خوب و نیک نیستند، بلکه چه بسا بسیار بد و زیان‌بارند (همان‌جا). پس همه امور دیگر غیر از اراده نیک، خیر نسبی و مشروط‌اند. بنابر این اراده و نیت نیک سرچشمه ارزش است و بدون آن هیچ ارزش مطلق و حقیقی وجود ندارد. حال این اراده نیک که از چنین اطلاقی در ارزش برخوردار است چگونه اراده‌ای است و قابل تشخیص



است؟ کانت در پاسخ به این پرسش به مفهوم «تکلیف» می‌رسد. «اراده‌ای که برای انجام دادن تکلیف عمل می‌کند اراده خیر است» (کاپلستون، ۱۳۸۰، ج ۶: ۳۲۳-۳۲۴).

انجام اراده برای ادای تکلیف متضمن این امر است که فاعل در برابر امکان فعل و ترک باشد و با اراده بر موانعی که بر سر انجام تکلیف است، غلبه کند. اما اراده‌هایی هم وجود دارد که ذاتاً خیر است مانند اراده خدا. کانت برای تمایز میان اراده‌ای که ذاتاً خیر است با اراده‌ای که می‌تواند خیر باشد (در صورتی که برای انجام تکلیف عمل کند) و می‌تواند خیر نباشد (در صورتی که برای غایتی غیر از تکلیف عمل کند)؛ اراده ذاتاً خیر را «اراده مقدس» می‌نامد (نک: کاپلستون، ۱۳۸۰، ج ۶: ۲۲۴). پس در نظر کانت مفهوم «اراده نیک» فقط شامل اراده انسان و موجوداتی که هم ارز با او هستند، می‌شود.

۲-۲. اختیار و اراده انسان در دیدگاه کانت

کانت در بحث معرفت‌شناسی بر این عقیده است که انسان، دانش و آگاهی خود را از روی تجربه‌هایی که به دست می‌آورد، تحصیل می‌نماید. بر اساس این نظریه کانت، ما نمی‌توانیم جهانی را که در خارج از حیطه تفکرمان است، بشناسیم. ما به وسیله تعقل می‌توانیم به تصویری از این جهان شکل دهیم و وجود چنین جهانی را مدلل سازیم و طوری عمل کنیم که انگار چنین جهانی واقعیت دارد. بنابر ایده کانت، انسان اگر می‌خواهد از نظر اخلاقی شأن و منزلتی کسب کند، بایستی طوری عمل نماید که جهان با مشخصاتی که ذکر کردیم، وجود دارد. در واقع، بر اساس این جهان‌تصوری بود که کانت وجود خدا، اختیار و آزادی و جاودانگی را استدلال می‌کرد و همچنین نشان داد که نیکی و خیر و اخلاق وابسته بر عملی است که از حقیقی شمردن چنین جهانی ناشی می‌گردد. اعتقاد به چنین جهانی انسان را در راه خیر و نیک وارد می‌کند. کانت یک قانون اخلاقی را ذکر می‌کند که اصل اساسی جهان عملی بر آن متکی است: «همواره طوری رفتار کنید که بخواهید اصل و قاعده کلی که رفتار شما بر آن متکی است، به صورت یک قانون جهانی درآید و همه جهانیان رفتار شما را سرمشق خود قرار دهند. بنابر این اگر قرار است انسان به این حالت عمل کند، باید برای انجام کاری با این کیفیت، از اختیار و آزادی برخوردار باشد (فراست، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۷).

۲-۳. دیدگاه کانت پیرامون ارزش‌های اخلاقی

کانت معتقد است که منشاء اصلی ارزش‌های اخلاقی، عقل است و هیچ چیزی غیر از عقل و خارج از آن نمی‌تواند از لحاظ اخلاقی برای انسان تعیین تکلیف کند. به تعبیر کانت «هر قدر هم علل طبیعی فراوان و محرک‌های حسی متعدد، مرا به اراده کردن چیزی سوق دهند، ممکن نیست در من حالت مکلف بودن ایجاد کنند (کورنر، ۱۳۸۰: ۳۲۵). بنابر این در دیدگاه کانتی، برای فهم مبنای الزام و ارزش‌های اخلاقی نایستی به سراغ طبیعت آدمی و یا و اوضاع خارجی رفت بلکه مبنای این تعهد به صورت پیشینی در مفاهیم عقل محض وجود دارد و همین است که وجود قضایای پیشینی ترکیبی اخلاقی را توجیه می‌کند (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۳۲۱). کانت بر این اعتقاد است که ارزش‌های اخلاقی نه تنها عینی بلکه مطلقاً عینی هستند، یعنی که امکان قائل شدن به دیگر آیین‌های اخلاقی را به عنوان بدیل و جانشین نفی می‌کند (کورنر، ۱۳۸۰: ۳۲۷).

۲-۴. وظیفه‌گرایی کانت و ارزش‌های اخلاقی

برای این که تشخیص دهیم آیا عملی بر اساس نفس وظیفه انجام گرفته است یا نه؟ باید به دستوری که آن وظیفه بر اساس آن انجام گرفته است نگاه شود. ارزش اخلاقی عمل هم بر اساس همان دستوری که طبق آن انجام گرفته است، سنجیده می‌شود. زیرا دستور مبداء ذهنی عمل است یعنی مبدای که ذهن با در نظر داشت آن اقدام به عمل می‌کند. این از امتیازات موجود عاقل است که بر اساس مبدای ذهنی عملش صورت می‌گیرد. (کورنر، ۸۰-۲۷۷). کانت معتقد است عملی که با انگیزه ادای تکلیف صورت می‌گیرد، عملی است که از احترام به قانون ناشی می‌شود. از نظر او رابطه نیت و قوانین اخلاقی رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگسستنی است که اگر عملی بخواهد اخلاقی باشد؛ باید نیت آن ادای تکلیف باشد؛ و تکلیف نیز احترام به قانون است. در نتیجه، رفتارهایی که از سر احترام به قانون و با نیت و انگیزه احترام به قانون انجام شود اخلاقی و دارای ارزش اخلاقی است. از این رو می‌توان گفت: نیت، تکلیف و احترام به قانون در دیدگاه کانت حلقه‌های زنجیری هستند که انسان را به عمل اخلاقی می‌رسانند. کانت با سؤال پیش می‌رود: «تکلیف را چرا باید به جا آورد؟ فقط برای این که تکلیف است و هیچ دلیل دیگری نباید داشته باشد و اگر کسی ادای تکلیف را از ترس کیف یا به امید پاداش کند، ادای تکلیف نکرده است، بلکه جلب سود یا دفع زیان کرده است و نمی‌توان گفت اراده خیر و حسن نیت را به کار برده است



(فروغی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۳۶-۸). بنابر این کانت بین اراده کردن با شوق داشتن و تمایل داشتن فرق می‌گذارد. اراده یک عمل عقلانی و به معنای تصمیم به انجام کاری است درحالی که شوق و تمایل عمل غریزی است. به عقیده کانت چنین تصمیمی تنها به این شرط اخلاقی و نیکو است که از روی وظیفه‌شناسی و به خاطر نفس وظیفه انجام گیرد نه به خاطر برآوردن غایتی خاص (عاملی، ۱۳۸۷: ص ۳۵۶). بر این اساس اگر عملی حتی مطابق قانون اخلاق باشد ولی به انگیزه احترام به قانون و از سر انجام وظیفه انجام نشود بلکه برای این که تمایل طبیعی برای انجام آن دارد، این عمل از نظر کانت، اخلاقی نخواهد بود. فقط اعمالی دارای شأن اخلاقی است که برای ادای وظیفه و نه هیچ انگیزه دیگری انجام شود. مثالی که او می‌آورد حفظ نفس است. اگر کسی نفس خود را حفظ کند به این انگیزه که حفظ نفس تکلیف من است، این عمل اخلاقی است. اما اگر نفس خود را حفظ کند به صرف این که تمایل به این کار دارد و شوق این کار را دارد، این عمل اخلاقی نیست. با این که از نظر صورت خارجی، عمل هر دو یکسان است» (کاپلستون، ج ۶: ص ۳۲۴). بنابر این، دیدگاه کانت درباره نیت اخلاقی چنین خلاصه می‌شود که فعل اخلاقی باید به همراه نیت اخلاقی باشد. نیت اخلاقی ناشی از اراده خیر است و اراده خیر، انگیزه انجام فعل مطابق با تکلیف و از سر احترام به قانون است. در نتیجه، کاری که با نیت ادای تکلیف و از سر احترام به قانون انجام شود یک کار اخلاقی است.

۲-۴. ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی کانت

اگر قرار باشد قانونی که نوشته می‌شود و به مرحله اجرایی برسد، بایستی پشتوانه‌ای برای آن تعریف شده باشد. در صورتی که عاصیان و مطیعان در برابر قانون یکی باشند و هیچ امتیازی برای پیروان قانون و هیچ تحریمی برای ناقضان قانون وجود نداشته باشد، انگیزه‌ای برای عمل به آن ایجاد نمی‌شود (قرضاوی، ۱۳۷۹: ۳۸۲-۳۸۱).

۱-۴-۲. وجود خدا و ضرورت آن از دیدگاه کانت

کانت وجود خداوند را یک اصل مسلم نظام اخلاقی می‌داند، معتقد است که ما کارهای نیک خود را فقط به منظور ادای تکلیف انجام می‌دهیم. این ایده خود تأیید ضمنی این اعتقاد است که جهان یک نظام اخلاقی است و وجود این قوانین اخلاقی مستلزم وجود یک قانون‌گذار است که هم خالق باشد و هم ضامن (باربور، ۱۳۸۵: ۹۳). کانت برخلاف دانشمندان قبل از خود، در امر اثبات وجود خدا ارائه‌ای

برعکس می‌دهد. فیلسوفان گذشته از طریق اثبات وجود خدا، به این نتیجه می‌رسیدند که آدمی بایستی ملزم به تکالیف اخلاقی باشد. در صورتی که کانت مکلف بودن انسان را مربوط به تکالیف اخلاقی یقینی می‌دانست و سپس یقین به وجود خداوند را از آن نتیجه گرفت (فروغی، ج ۲: ۳۴۷).

۲-۴-۲. شیوه درک و اثبات خداوند در دیدگاه کانت

کانت معتقد است که عقل نظری محدوده کارایی‌اش در قلمرو شناخت تجربی تعریف می‌شود ولی محدوده عقل عملی در اراده انسان‌ها است، پس عقل نظری از حدود تعریف‌شده خود نمی‌تواند فراتر برود. کانت مدعی است که مسأله خداوند و ایمان به او، از محدوده عقل نظری فراتر است. ایمان به خداوند باعث می‌شود مجموعه معرفتی انسان نظم و قوام خاصی پیدا کند. اگر خدا نباشد، قانون اخلاقی نمی‌تواند علت سعادت ازلی باشد. بنابر این عقل عملی مجبور است که وجود خداوند را به عنوان یک اصل موضوعی بپذیرد، هرچند عقل نظری از این امر ناتوان است (ژیلسون، ۱۳۸۵: ۴). از نظر کانت اگر انسان بخواهد با استفاده از ادله‌های کلامی وجود خدا را اثبات کند، به خطای دینی رفته است. چیزی که کانت تحت عنوان جدل استعلایی نامگذاری می‌کند و تأکید دارد که چه نیاز است که آدمی کلام مورد نظر دین را از طریق عقلی اثبات نماید. تجربه یا اخلاقی، لندیشه وجود حقیقی خداوند را موجه می‌سازد ولی مبنایی را برای دعاوی معرفت دینی فراهم نمی‌آورد. یقینی که ما به وجود خدا داریم، بیش‌تر عملی است تا نظری (صانع پور، ۱۳۸۱: ۹۶ و ۹۲)

۳-۴-۲. ویژگی‌های خدای کانت

در دیدگاه انسان‌وارانه کانت از مفهوم خداوند، حرکت از مفهوم صفات خدا شروع می‌گردد. منشاء صفات مفهومی کانت ذهنیت فرد عمل‌گرا در اخلاق عملی خواهد بود. پس صفاتی برای خداوند لحاظ می‌گردد که سبب افزایش تأثیر صفات اخلاقی شود (همان: ۹). در نگاه کانت، انسان خود میزان و معیار است و به تشریح دین از سوی خداوند نیاز ندارد و بایستی چنان عمل کند که دوست دارد با او رفتار کنند. کانت معتقد است که دین یک امر درونی است و فقط بر خصلت درونی انسان متکی است. تعبد و تسلیم واقعی این است که قلب به‌طور غیرمستقیم با خدا ارتباط برقرار نماید خداشناسی را بر اراده ما تحمیل نماید. عبادات ظاهری وسیله‌ای برای پرداختن به عمل خیر می‌باشد. کاملاً بی‌معناست که انسان بخواهد با کسی که او را نمی‌بیند و فقط به او معتقد است، سخن بگوید (همان: ۹۴ و ۹۳).

۳. نیت و نقش آن در نظام اخلاقی قرآن کریم و نهج البلاغه

۳-۱. دیدگاه قرآن نسبت به تاثیر نیت بر ارزش اخلاقی

«نیت» در حسن و قبح عمل تأثیرگذار است و عمل فاقد نیت نیک، هیچ‌گاه عمل باارزش تلقی نمی‌شود. آیاتی را که بیانگر نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی هستند می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

آیاتی که رابطه بین نیت و فعل اخلاقی را نشان می‌دهند مانند سوره‌های فتح/۱۸، اسراء/۲۵، بقره/۲۲۵، توبه/۱۰۷.

آیاتی که رابطه بین نیت و نتیجه فعل را بازگو می‌کنند مانند «لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و «وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ» (توبه/۹۲-۹۱). در این آیه، جایگاه نیت به منزله اساس و روح فعل اشاره شده است. نفی حرج در آیات شریفه، گاه صرفاً دلالت بر نفی گناه و جواز کار دارد و گاه علاوه بر آن مقصود، وجوب کاری است و گاه به معنای جواز و برخوردار بودن از پاداش آن عملی است که انجام نگرفته است. در این آیه، معنای سوم مد نظر است؛ زیرا اگر مقصود صرف نفی حرج بود، این مطلب از قسمت نخست آیه قابل استفاده بود. عطف این گروه بر عناوین قسمت قبل، باید نکته‌ای فراتر از آن باشد (همان: ۱۰۲). در آیه دوم نیز راز ارزشمند بودن اشک ریختن، اندوه از نداشتن ساز و برگ جنگ ذکر شده است و روشن است که اگر نیت و اشتیاق شرکت در جهاد را نمی‌داشتند، از نداشتن امکانات شرکت در جهاد اندوهگین می‌شدند. بنابر این نیت الهی منشاء ارزش در عمل اخلاقی و روح عمل است (همان‌جا).

واژه نیت در آیات قرآن به کار نرفته است، اما عبارات و لغاتی را می‌توان پیدا کرد که متضمن و بیانگر این مفهوم می‌باشند. این عبارات را می‌توانیم در سه دسته قرار دهیم: (باقریان خوزیانی و رجبی، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

در بطن معنایی آیات قرآن: واژه مقدس لله (بقره/۱۹۶)؛ عبارت لوجه الله (انسان/۹)؛ عبارت فی سبیل الله (بقره/۱۵۴)؛ اتباع رضوان الله (آل عمران/۱۶۲)؛ قربات عندالله (توبه/۹۹)؛ اخلصوا دینهم لله (نساء/۱۴۶). حداقل دلالت این چنین مصداق‌هایی این است که عمل با انگیزه



الهی انجام گیرد: لله؛ اخلصوا دينهم لله؛ يريدون وجهه الله؛ اتبع رضوان الله؛ مهاجراً الى الله؛ ابتغاء وجهه ربهم؛ لوجه الله؛ ابتغاء مرضات الله؛ قربات عند الله؛ وجهت وجهي؛ اسس (بنیانه) علی؛ تبتل الیه؛ و من اراد الاخره (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۸، ۴۷۹، ج ۱۰: ۶۱۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۶۲ و ج ۴: ۸۲؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۵۱۲؛ شیخ طوسی، بی تا، ج ۳: ۴۷۵ و ج ۲: ۳۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۴۵ و ج ۷: ۶؛ نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۲: ۴۸۲؛ سوراآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۶۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۸؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲: ۸۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۰۵؛ کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۱۸؛ نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۷۶؛ اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۹۱؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۹۲؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۷۰؛ کاشانی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۶۵).

کلماتی که از فعل ریایی سخن به میان آورده، و به دلیل نیت شرک‌آمیز بر فقدان ارزش اخلاقی آن تأکید می‌کنند؛ مانند تعبیر رثاء الناس (بقره/۲۶۴؛ نساء/۳۸؛ انفال/۴۷)؛ براؤن (نساء/۱۴۲؛ ماعون/۶). این آیات فعل ریا را به دلیل انگیزه غیرالهی فاقد ارزش می‌دانند و دربرگیرنده مفهوم نیت هستند: «منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الاخره» (سوراآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۴۸).

کلمات و عباراتی که ملاک سنجش بعضی کارها را عقد الایمان (نساء/۳۳؛ مائده/۸۹) یا کسب القلوب (بقره/۲۲۵) می‌دانند. این دو تعبیر بر ارتباط اعمال دارای ارزش اخلاقی با پیوندی قلبی و عمل قلبی تأکید می‌ورزند و مفهوم نیت را دربر دارند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۰۷). طبق دیدگاه قرآن، فعلی ارزشمند محسوب می‌شود که به وسیله نیت با وجود خداوند در ارتباط باشد و در این میان، ایمان در چگونگی نیت افراد نقش کلیدی و مهمی را ایفا می‌کند. نیت در اصل همان قصد و اراده‌ای است که انسان را به سوی عمل حرکت می‌دهد. در طریق تهذیب اخلاق و سیر سلوک الی الله اراده و نیت قاطع لازم است. افراد با اراده ضعیف نمی‌توانند به جایی برسند و برعکس اراده قوی انسان را به سوی مقصد اصلی به پیش می‌برد (قرضاوی، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۴). این همان چیزی است که در قرآن از آن به عزم تعبیر شده است: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران / ۱۵۹).



الف. رابطه ایمان با علم؛ نیت قوام‌دهنده روح ارزش اخلاقی است و تحقق آن با توجه به آیات قرآن مشروط و وابسته به ایمان خواهد بود. قرآن علم و ایمان را مساوی هم فرض نمی‌کند، بلکه علم اعم از ایمان است. بدین معنا که هر جا علم باشد، ضرورتاً ایمان هم وجود نخواهد داشت. اما برای این که ایمان ایجاد شود، حتماً بایستی نوعی آگاهی و علم وجود داشته باشد (زندانی، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۵).

ب. عامل اختیاری ایمان؛ اصولاً ایمان امری اختیاری است اما علم در بسیاری از حالت‌ها بدون اختیار انسان بدست می‌آید. شاهد اختیاری بودن ایمان حالتی است که خداوند متعال ما را به آن امر می‌کند: «قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ» (نساء/۱۷۰)؛ «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن/۸). یعنی اگر ایمان دستوری جبری و خارج از اختیار داشتن ما می‌بود در آن صورت امر کردن انسان‌ها بی‌معنا جلوه می‌کرد. اگر چیزی را می‌دانیم اما قصد نداریم به لوازم آن ملتزم باشیم، در این حالت فقط علم وجود دارد و ایمان نیست (محمد قطب، ۱۳۷۹: ۷۰).

۲-۱-۳. تأثیر پذیری رفتار ارزشی از نیت

الف. تحقق رفتار اختیاری؛ اگر بپذیریم نیت، انگیزه‌ای آگاهانه است که در عمل تأثیر داده می‌شود، بنابر این رفتار اختیاری، اولین تأثیر نیت بر روی رفتار فعل است که شکل‌گیری رفتار اختیاری انسان به آن متکی است.

ب. آثار تعیین‌کنندگی نیت؛ نیت مانند یک نیروی محرک درونی هم شتاب‌دهنده و هم تعیین‌کننده جهت یک رفتار در فعل است. اگر یک رفتار ویژه پتانسیل آن را داشته باشد که فاعل اخلاقی را به مسیرهای گوناگون در جهت‌های مختلف برساند، پس نیت تعیین‌کننده اصلی جهت رفتار و رسیدن به اهداف متناسب با آن جهت است.

ج. تعیین میزان ارزش رفتار؛ اگر یک رفتار خاصی فاعل را به خواسته‌هایش در مسیرهای گوناگون برساند و قابلیت وصل کردن فاعل به خواسته‌های مختلف را نیز داشته باشد، درک این مطلب که ارزش‌گیری آن فعل به اندازه ارزش ذاتی کدام‌یک از نتایج و اهداف ذکر شده است، همه به نیت فاعل بستگی دارد.

۳-۱-۳. بررسی آیات قرآن در رابطه با اراده و اختیار انسان

قرآن در آیات بسیاری به ارادی بودن افعال انسان اشاره کرده است، اما متفکران اسلامی در این حیطة به سه گروه متفاوت تقسیم شده‌اند: گروه اول، راه افراط را در پیش گرفته و معتقدند که انسان در انجام افعال خویش کاملاً مختار است مانند قدریه؛ گروه دوم، راه تفریط را در پیش گرفته‌اند و اختیار را کاملاً از انسان سلب کرده‌اند مانند جبریه؛ و گروه سوم، راه وسط را در پیش گرفته و موضعی بینابین اتخاذ کرده‌اند مانند شیعه و اشعریان (امینی، ۱۳۸۷: ۸-۹۴). آیاتی که بر وجود اراده و اختیار در انسان دلالت می‌کنند، می‌توانیم به ۴ دسته تقسیم کنیم:

الف. آیاتی که خبر از ارسال پیغمبران و فرو فرستادن کتب الهی به منظور اتمام حجت داده‌اند (نک: سوره‌های انفال/۴۲، نساء / ۱۶۵).

ب. آیاتی که اشاره به مورد امتحان قرار گرفتن انسان دارند (نک: کهف/۷).

ج. آیاتی که بیانگر وعد و وعید، مدح و نکوهش، انذار و تبشیر در صورتی می‌توانند بازگو شوند که انسان به عنوان موجودی مختار فرض شده باشد (نک: توبه/۶۸).

د. آیاتی که به وضوح و با صراحت کامل اختیار داشتن انسان را گوشزد کرده‌اند (نک: کهف/۲۹. برای اطلاعات بیشتر نیز بنگرید به: رجبی، ۱۳۸۶: ۱۷۱-۱۷۰).

۳-۱-۴. ضمانت اجرایی در ارزش‌های اخلاقی قرآن

بالاترین ارزش‌های اخلاقی بدون ضمانت اجرایی، نمی‌تواند در جامعه کاربرد زیادی داشته باشد و تأثیرات مثبت و شگرفی ایجاد کنند. رفتار انسان‌ها در جامعه به سه وسیله کنترل و نظارت می‌شود: اول، به وسیله نظارت بیرونی با اجرای انواع مجازات‌ها و احکام (پلیس بیرونی)؛ دوم، به وسیله نظارت درونی از طریق باورها و اعتقادات (پلیس درونی)؛ سوم، ویژگی‌ها و خصوصیات خود ارزش‌ها (قرضای، ۱۳۷۹: ۱۱۸ و ۱۱۶).

ارزش‌های اخلاقی مکتب قرآن در یک جامعه قرآنی همه ویژگی‌های گفته‌شده در سه روش فوق را داراست. نقش پلیس درونی توسط ایمان و اعتقاد مؤمنان به وجود خداوند متعال (که همواره ناظر و مراقب اعمال انسان‌هاست) و سرای آخرت (که کلیه اعمال انسان‌ها در آنجا مورد بازرسی قرار خواهد گرفت) ایفا می‌گردد؛ پلیس بیرونی توسط کارگزاران و مجریان حکومتی اجرا



می‌شود. از سویی دیگر، خود ارزش‌های قرآن از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار هستند. بنابر این عواملی که ضامن اجرایی ارزش‌های اخلاقی قرآن در جامعه محسوب می‌شوند عبارتند از:

الف. وجود خداوند؛ اولین و بالاترین ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی قرآن، وجود خداوند است. ایمان به خدا محرک فرد برای انجام اعمال نیک و دوری جستن از اعمال غیرنیک است و راه وصال خیر و سعادت و حکمت و رحمت را برای او فراهم و شر و شقاوت را از او دور می‌کند. آنجا که در قرآن می‌فرمایند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس/۶۲).

ب. ایمان به سرای بعد؛ دومین ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی، ایمان به سرای ابدی است. خداوند در بسیاری از حالات ایمان به خودش را با ایمان به روز جزا ربط می‌دهد مانند: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره/۱۷۷). ایمان به خدا و روز حساب با ثواب و عقاب آن توجیه‌کننده رفتار انسان به سوی خیر است و هیچ قانونی از قوانین بشری رفتار انسان را نمی‌تواند مانند ایمان به سرای بعد متعادل گرداند: «وَتَرَوْدُوا فَإِنَّ خَيْرَ النَّرَادِ التَّقْوَى» (بقره/۱۹۷).

ج. ویژگی‌های منحصر به فرد ارزش‌های اخلاقی قرآن:

یک. ارزش‌های اخلاقی قرآن در عین توجه به مسائل جزئی و فردی، کلیت و فراگیری برای عموم را دارند (نک: سوره‌های اعراف/۱۵۸؛ انعام/۱۹؛ فرقان/۱؛ بقره/۴۴، ۲۵۶؛ نساء/۱۳۵؛ نور/۵۱-۴۸؛ توبه/۸۱، ۱۲۰؛ احزاب/۳۶؛ یونس/۹۹ و برای اطلاع بیشتر بنگرید به: دراز، ۱۹۸۷/م/۱۴۰۸ق: ۵۳-۵۴).

دو. ارزش‌های اخلاقی قرآن تسهیل‌گر هستند. به عبارتی به نحو ممکن الوصول برای بشر تعریف شده‌اند و امر محال و غیرممکن در آن تعریف نشده است (نک: مؤمنون/۶۲؛ طلاق/۷؛ بقره/۲۸۶، ۲۸۴؛ مائده/۱۷، ۱؛ غافر/۲۰؛ اعراف/۱۵۶؛ نساء/۱۴۷؛ انعام/۶؛ حج/۱۴).

سه. ارزش‌های اخلاقی قرآن سهولت و سادگی در آنها مشهود است و این امر به بالا بردن ضمانت اجرایی آن کمک شایانی کرده است؛ سادگی و سهولت این ویژگی‌ها در عین انجام فعل است (نک: بقره/۱۸۵؛ نساء/۴۳، ۲۸؛ مزمل/۴-۱، ۲۰؛ نساء/۴۳).

چهار. ارزش‌های اخلاقی قرآن تدریجی هستند؛ برای نمونه می‌توان به زمینه تحریم مشروبات الکلی اشاره کرد که در قرآن طی چهار مرحله رخ داد: مرحله اول: نحل/۶۷؛ مرحله



دوم: بقره/۲۱۹؛ مرحله سوم: نساء/۴۳ و مرحله چهارم: مائده/۹۰ و یا در زمینه نزول قرآن (تک: فرقان/۳۲؛ اسراء/۱۰۶) و یا برداشتن نظام برده‌داری (دراز، ۱۹۸۷م: ۸۵-۸۷).

پنج. رتبه‌بندی ارزش‌های قرآنی؛ رعایت اولویت‌بندی در ارزش‌ها خود می‌تواند در ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی نقش پررنگی را ایفا کند. رعایت ارزش‌های اخلاقی در قرآن مشروط به دو عامل است: نخست این‌که انجام فعل بایستی بر طبیعت عموم انسان‌ها سهل باشد؛ دوم، عدم تحمیل بودن فعل بر انسان‌ها. مثلاً در زمینه پرداخت مهریه زنان (بقره/۲۳۷)؛ در رابطه با انفاق (بقره/۲۱۹)؛ در رابطه با بدهکاران اقتصادی (بقره/۲۸۰) و در رابطه با عبادت مستحبی (بقره/۱۵۸ و نیز بنگرید به ترمذی: ج ۱: ۱۸۱).

شش. تعادل در ارزش‌های اخلاقی قرآن؛ خداوند در قرآن کریم در سوره‌های شمس/۱۰-۷؛ حجر/۲۹؛ قصص/۷۷؛ اعراف/۳۲-۳۱ و محمد/۱۲، انسان را موجودی مرکب، دارای عقل، شهوت، غریزه حیوانی و روحانیت فرشتگان که راه خیر و شر برای او روشن شده است معرفی می‌کند. و از لحاظ ساختاری و فطری برای پوییش هر دو راه مهیا شده است (قرضاوی، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م: ۹-۳۸).

هفت. ذاتی و فطری بودن ارزش‌های اخلاقی قرآن؛ از آیات قرآن مشهود است که اخلاق از اصول ثابت، عام و فراگیر بهره‌مند است و با فطرت انسان همخوانی بالایی دارد (حجرات/۷؛ نحل/۹۰؛ اعراف/۱۵۷ و نیز بنگرید به: دراز، ۱۹۸۷م/۱۴۰۸ق: ۹-۹۷).

۲-۳. دیدگاه نهج البلاغه نسبت به تاثیر نیت بر ارزش اخلاقی عمل

نهج البلاغه با توجه به اینکه بیشترین حجم روایات نقل شده از امام علی علیه السلام را در خود جای داده، از نظر محتوایی، بارها در آن بر اهمیت نیت در تعیین ارزش و پاداش اعمال انسان تاکید شده است.

۱-۲-۳. نیت و حقیقت عمل

یکی از مهم‌ترین اصولی که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به آن اشاره می‌کند، این است که حقیقت عمل در نیت آن است یعنی عمل انسان بر اساس نیت او ارزیابی می‌شود و اگر نیت درست نباشد، حتی اگر عمل ظاهراً خوب باشد، ارزش نخواهد داشت. همچنین در خطبه ۱۹۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «هر کسی که عملش را به نیت دنیایی انجام دهد، همان دنیا را پاداش



خود می‌بیند». یعنی اعمال بشر به صورت کامل و دقیق از سوی خداوند مورد سنجش قرار می‌گیرند و این نیت انسان است که تعیین‌کننده ارزش و نتیجه عمل اوست.

۲-۲-۳. نیت‌های مختلف و تأثیر آن‌ها

امام علی علیه السلام به گونه‌ای بر نیت‌ها تأکید کرده که انسان باید نیت خود را از هرگونه ریاکاری و فریب خود دور نگه دارد. در واقع، نیت باید خالصانه باشد و تنها برای رضای خداوند انجام شود. در حکمت ۴۶ نهج‌البلاغه آمده است: «هر کس چیزی را برای مردم انجام دهد، به مردم همان پاداش داده می‌شود، و آنچه که برای خدا باشد، پاداش آن نزد خداوند است». این جمله به این معناست که اگر انسان در کارهایش برای مردم و به دنبال جلب نظر آن‌ها باشد، نتیجه آن نیز از سوی مردم خواهد بود، نه خداوند. در مقابل، نیت خالصانه برای خداوند، پاداشی الهی در پی خواهد داشت.

۳-۲-۳. پاکسازی نیت و اصلاح دل

امام علی علیه السلام به اهمیت پاکسازی نیت‌ها اشاره کرده و بر لزوم تصفیه دل و نیت تأکید دارند. طبق آموزه‌های ایشان، اصلاح دل و نیت انسان می‌تواند باعث رسیدن به عمل درست و موفق شود. از این رو، در حکمت ۴۷ نهج‌البلاغه آمده است: «نیت صحیح، عمل را صحیح می‌کند و دل پاک، هر گونه خطا را از عمل می‌زداید». در این حکمت، امام علی علیه السلام به این نکته اشاره می‌کند که اصلاح درون، تأثیر مستقیمی بر اصلاح عمل انسان دارد. نیت درست و دل پاک از عوامل کلیدی در نیکویی و پاداش نهایی کارها هستند.

۴-۲-۳. نیت در عبادات و روابط اجتماعی

در عبادات نیز، نیت صحیح از اصول بنیادی است. برای مثال، نماز، روزه، صدقه و سایر عبادات در صورتی که نیت فرد برای انجام آن‌ها خالصانه و برای رضای خدا باشد، اجر و پاداش آن عمل متفاوت خواهد بود. امام علی علیه السلام به این موضوع اشاره کرده‌اند که «هدف اصلی از عبادات و اعمال دینی، تنها جلب رضایت خداوند است و هر گونه نیت غیرخالص می‌تواند عبادت را بی‌اثر کند».

۵-۲-۳. اهمیت نیت در جهاد و فداکاری

یکی دیگر از مواردی که امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به نیت اشاره کرده‌اند، جهاد و فداکاری در راه خداست. ایشان به یاران خود می‌فرمایند که نباید جهاد و فداکاری تنها به قصد



شهرت و محبوبیت در میان مردم باشد بلکه نیت باید برای رضای خدا و در جهت برقراری عدالت باشد. از این رو در خطبه ۱۴۴ نهج البلاغه می‌فرمایند: «جهاد با نیت پاک و برای رضای خداوند انجام دهید و از شهرت‌طلبی و خودخواهی پرهیز کنید». این پیام نشان‌دهنده اهمیت نیت در بزرگ‌ترین و مقدس‌ترین اعمال انسانی است. در واقع، نیت در جهاد و فداکاری می‌تواند به انسان عزت و پاداش الهی بدهد یا از آن محروم کند.

۳-۲-۶. رابطه نیت و تقوا

در نگاه امام علی علیه السلام، نیت ارتباط نزدیکی با تقوا دارد. تقوا به معنای پرهیز از گناه و تلاش برای انجام کارهای پسندیده است و نیت صحیح، یکی از اجزای اصلی تقوا به شمار می‌آید. اگر نیت انسان صحیح و خالص باشد، عمل او نیز در مسیر تقوا قرار خواهد گرفت. از این رو، می‌فرمایند: «هر کس که تبتش بر اساس تقوا و ایمان باشد، نتیجه‌اش در عمل آشکار خواهد شد».

۳-۲-۷. نیت و خلوص در عبودیت

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۲۷ نهج البلاغه، می‌فرمایند: «اعمال با نیت‌های مختلف همراه می‌شوند؛ نیت‌هایی که یکی از آن‌ها خالص برای خداوند است و دیگری به جهت جلب توجه مردم». در واقع تأکید می‌کنند انسان باید در اعمال خود تنها نیت قرب به خدا را داشته باشد. در غیر این صورت، آن عمل ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد. بنابر این با تأکید بر این موضوع، در حقیقت به انسان‌ها یادآوری می‌کنند که برای رسیدن به مقامات معنوی و پاداش‌های الهی، باید فقط خدا را در نظر داشت.

۳-۲-۸. نیت و تفاوت اعمال

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۷ نهج البلاغه می‌فرمایند: «در روز قیامت، انسان‌ها بر اساس نیت‌هایشان محاسبه می‌شوند، نه بر اساس ظاهر اعمالشان». این خطبه نشان می‌دهد که در نگاه حضرت تنها ظاهر عمل اهمیت ندارد، بلکه نیت او مهم‌تر است. پس نیت صحیح، ارزش و نتیجه عمل را تعیین می‌کند. یعنی دو نفر ممکن است کار مشابهی انجام دهند، اما نتیجه و پاداش هر کدام بسته به نیت آن‌ها متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، کسی که نماز می‌خواند تا به دیگران نشان دهد که عبادت می‌کند، از ثواب آن محروم است. اما کسی که فقط برای خداوند نماز می‌خواند، به پاداش واقعی دست می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که امام علی علیه السلام در آموزه‌های خود به آن اشاره دارند، این است که نیت اصلی در هر عمل باید در جهت کسب رضایت الهی باشد و نه برای جلب توجه دیگران یا منفعت شخصی. از این رو در خطبه ۱۴۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «نیت‌های انسان‌ها در روز قیامت در برابر اعمالشان قرار می‌گیرند و هر کس که نیت خالصانه‌ای داشته باشد، از پادشاه‌های بزرگ الهی بهره‌مند خواهد شد». این سخنان نشان‌دهنده این است که امام علی علیه السلام ایمان داشتند که خلوص نیت می‌تواند موجب برکت در اعمال انسان شود و به او در رسیدن به اهداف معنوی کمک کند.

۱۰-۲-۳. نیت در برابر دنیا و آخرت

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «کسی که در پی کسب دنیای فانی است، نیتش در عمل بی‌ارزش می‌شود، اما کسی که در پی آخرت است، نیتش برترین عمل را به بار می‌آورد». یعنی تأکید دارند که نیت انسان باید از دنیا و منافع آن فراتر برود. بنابر این کسانی که در کارها و اعمال خود نیت دنیایی دارند به نتیجه‌ای نیکو نمی‌رسند، زیرا اعمال آن‌ها صرفاً برای به دست آوردن منافع مادی است. اما اگر نیت انسان در راستای آخرت و جلب رضایت خدا باشد، عمل او ارزش واقعی پیدا می‌کند. در واقع این سخن به انسان‌ها می‌آموزد که هدف و نیت نهایی باید آخرت و رضایت الهی باشد، وگرنه اعمال‌شان در دنیای مادی با گذشت زمان بی‌ثمر خواهند بود.

۱۱-۲-۳. نیت در زمان‌های دشوار

یکی از ویژگی‌های مهم نیت در آموزه‌های امام علی علیه السلام این است که نیت باید در هر شرایطی، به‌ویژه در زمان‌های سخت و دشوار، ثابت و خالص باشد، زیرا در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها است که نیت انسان می‌تواند او را از گمراهی و فساد نجات دهد. حضرت در نامه ۳۱ نهج البلاغه به یکی از فرماندهان خود می‌فرماید: «در سختی‌ها و آزمون‌ها، اگر نیت تو برای خدا باشد، هیچ چیز نمی‌تواند تو را از مسیر درست منحرف کند». این جمله نشان می‌دهد که در موقعیت‌های دشوار، حتی اگر شرایط بر وفق مراد نباشد، اگر نیت انسان برای خداوند باشد، او در نهایت به هدف‌های بلند خود خواهد رسید.



یکی از مهم‌ترین جلوه‌های نیت در نهج البلاغه در حوزه سیاست و حکومت است. امام علی علیه السلام در زمان حکومت خود همواره تأکید می‌کردند که مسئولان و فرماندهان باید نیت صحیح و خالص داشته باشند و هدف آن‌ها باید خدمت به مردم و تحقق عدالت باشد. بنابر این بارها اشاره کرده‌اند آنان که به دنبال قدرت و جایگاه برای خود هستند، به هیچ‌وجه صلاحیت اداره جامعه را ندارند. حضرت در نامه ۴۵ نهج البلاغه به مالک اشتر می‌فرماید: «در هر کاری که انجام می‌دهی، نیت تو باید در راستای خدمت به مردم و رضایت خدا باشد، نه در جهت فریب و جلب منافع شخصی». این نکته تأکیدی است بر اهمیت نیت صحیح در امر حکومت و مدیریت جامعه، که امام علی علیه السلام همواره در تلاش بودند تا با نیت‌های پاک و خدمت به مردم، عدالت را برقرار کنند.

۴. نقش نیت اخلاقی در عملکرد انسان‌ها از منظر کانت، قرآن کریم و نهج البلاغه

از تفاوت‌های فاحش بین مکتب قرآن کریم و کانت اشاره به دو مبحث غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی می‌باشد. کانت معتقد است که حسن فعلی معیاری برای تشخیص اراده خوب نمی‌تواند باشد. اگر خوبی اراده نیک به خاطر نتایج مثبت آن باشد، در این صورت خوبی آن ذاتی نمی‌باشد بلکه ابزاری خواهد بود. بنابر این ما باید کارها را بر اساس حسن فعلی آن‌ها ارزش‌گذاری نماییم نه بر اساس حسن فاعلی آن‌ها.

کانت به شدت تأکید دارد که ما باید به انگیزه‌ها توجه داشته باشیم و به پیامدها کاری نداریم. به عبارتی این اراده است که خوب یا بد است و اگر اراده خوب وجود نداشته باشد، نمی‌توانیم هیچ چیزی را دارای ارزش اخلاقی بدانیم. کانت معتقد است که عنایت به غایات در انجام دادن فعل اخلاقی باعث می‌شود که ارزش اخلاقی آن فعل از بین برود. بنابر این می‌توانیم بگوییم مکتب کانت بر وظیفه‌گرایی تأکید دارد. وی معتقد است هرگاه وجود چیزی به خودی خود از ارزش مطلق برخوردار باشد می‌تواند منشأ اوامر مطلق شود، زیرا در نفس خود غایت است (کانت، ۱۳۶۹: ۷۲). اما در طرف مقابل قرآن کریم و نهج البلاغه، همواره غایات را در ارزش‌های اخلاقی خود مدنظر قرار می‌دهند و با اهمیت دادن به غایات، انگیزه و نیت کافی و لازم را برای انجام کارهای خوب به وجود می‌آورند. این که فقط به انجام وظیفه تمرکز کنیم و از مصالح و مفاسد مرتبط با آن، به گفته کانت غافل شویم، بی‌انگیزه‌گی یا کم‌انگیزه‌گی را برای کردار نیک به ارمغان خواهد آورد. از دیدگاه





قرآن کریم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، آنچه باعث ارتباط اعمال و ارزش‌های اخلاقی می‌شود همان نیت با خداوند می‌باشد و نیت، مقوم ارزش اخلاقی است. از نظر قرآن و امام علی علیه السلام اولاً تحقق این نیت منوط به ایمان به خدا است و دوماً، اگر ایمان نباشد، چنین نیتی هم تحقق پیدا نخواهد کرد و کاری که بدون نیت انجام شده باشد، بی‌ارزش خواهد بود. بنابر این در قرآن و نهج‌البلاغه، متعلق نیت و ریشه ارزش‌های ایمان به خدا و روز حساب است. از این‌رو فعلی از دید اسلام دارای ارزش است که بدون واسطه یا مع‌الواسطه با خداوند ارتباط پیدا کند و علت این‌که نیت موجب ارزش کار می‌شود به خاطر آن است که در ارتباط با خداست. کانت در مشخص کردن ارزش‌های اخلاقی، به حسن فعلی هیچ کاری ندارد. اما قرآن و نهج‌البلاغه به حسن فعلی و حسن فاعلی به‌طور همزمان توجه دارد و فقط معیار ارزش را در حسن فعلی یا حسن فاعلی نمی‌بیند بلکه قرآن در آیات فراوان و امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه تأکید بر حسن فاعلی و فعلی با هم دارد. همان‌طور که در تعداد زیادی از آیات قرآن کریم (آمنوا) حسن فاعلی و (عملوا الصالحات) حسن فعلی را در کنار هم دیگر ذکر می‌کند و ارزش رفتار را ناشی از هر دو خصلت بر می‌شمارد. بنابر این از نظر قرآن، ملاک ارزشمندی افعال، ارتباط قلبی فاعل با خداوند می‌باشد. اما کانت، اراده نیک (حسن فاعلی) را به نوعی پاسخ به ندای وجدان و اطاعت از دستور عقل می‌داند. اگر کاری از ایمان به خداوند نشأت نگرفته باشد و ایمان به خداوند در انجام آن هیچ نقشی نداشته باشد نمی‌تواند برای نفس انسان کمالی را ایجاد کند حتی اگر از ایمان ناشی گردد اما قالب عمل درست انتخاب نشده باشد در این‌جا عمل حسن فاعلی دارد ولی حسن فعلی ندارد و در این حالت هم تأثیر واقعی را بر روی کمال انسان نخواهد گذاشت. طرح اراده نیک و حسن فاعلی یکی از مهم‌ترین نقاط مثبت کانت است اما او در نیت به بیراهه حرکت کرده است. مشکل آن‌جا است که کانت متعلق نیت را در احترام به قانون عقل می‌داند و معتقد است که کاری که به انگیزه اطاعت از حکم و قانون عقل صورت بگیرد، کار و فعل اخلاقی محسوب می‌شود. می‌توانیم در پاسخ به ادعای کانت بگوییم که در پشت نیت انجام تکلیف، نیتی دیگر قرار دارد و آن این است که من چون می‌خواهم به کمالی برسیم این نیت را انجام می‌دهم. اما کانت تصریح کرده است که اگر کسی برای رسیدن به کمال فعلی را انجام دهد، فعل او اخلاقی نخواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۷).

از نظر قرآن کریم و امام علی علیه السلام رسیدن انسان به کمال حقیقی، غایت نهایی محسوب می‌شود و برترین کمال را در رسیدن به مقام عبودیت و قرب الی الله است که به نوعی ملازم و همراه با سعادت واقعی انسان است. هر عملی به قصد رسیدن به هدفی انجام می‌گیرد و هر حرکتی ناچاراً انتهایی دارد؛ بنابر این نفی غایت‌گرایی امری غیرممکن است. حتی کانت هم در ایده نفی غایت‌گرایی و توجه صرف به تکلیف، غایت خاصی داشته است و آن عبارت است از شکل دادن به یک نظام مستحکم اخلاقی طبق اعتقادات خودش (اخوان، ۱۳۷۳: ۷). کانت زمانی که مسأله خیر اعلا را به عنوان یک هدف تعریف می‌کند و از آن به عنوان مقدمه‌ای برای اثبات جاودانگی نفس استفاده می‌کند (کانت، ۱۳۸۵: ۲۱۲)، در واقع به خیر اعلا به دیده غایت نگاه کرده است و به طور ناخواسته به غایت‌گرایی کشیده شده است (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

کانت در نقد اخلاق غایت‌گرایانه می‌گوید: «اخلاق الهیاتی اخلاقی است که در آن امید به بهشت و ترس از دوزخ، برای عمل به دستورات خداوند انگیزه می‌شوند و همین ترس و امید، ارزش اخلاقی اعمال را از بین می‌برد» (فروغی، ۱۳۸۷: ج ۲: ۴۰۱). کانت خدا را از دید ادیان تاریخی، موجودی بیگانه از انسان تصور کرده که با قدرت مطلقه خود انسان‌ها را با امید به ثواب و ترس از عقاب اخروی مجبور می‌کند که از اوامر گزاف وی تبعیت کنند. پس اگر از فرامین او اطاعت کنند، ارزش اخلاقی افعالشان از بین می‌رود. اوامر خداوند، اوامر موجود مطلق است که علم و حکمت و قدرت نامتناهی دارد و فضیلت او در حد اعلاست. ثواب و عقاب اخروی، نه تنها اراده و اختیار را از انسان سلب نمی‌کند بلکه انسان را به سمت انجام کارهای نیک و پرهیز از رذایل اخلاقی ترغیب می‌کند.

در واقع از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، کاری دارای ارزش اخلاقی است که با نیت الهی انجام گیرد. تعبیر آیات در تأثیر نیت قلبی متفاوت است؛ گاه نمایانگر تأثیر مستقیم در فعل، و گاه نمایانگر تأثیر در نتیجه فعل است. از متن این آیات، استنتاج می‌گردد که نیت روح و جان فعل اخلاقی است و بر این اساس، فعلی که به نیت غیرالهی انجام گیرد، هیچ ارزشی در پیشگاه خدا ندارد. به عقیده کانت انسان از یک سو تابع خواسته‌ها و انگیزه‌های حسی است و از سوی دیگر، تابع قانونی اخلاقی (fackenheim, 1992: 226). از دید او، انسان موجودی است که هم محدود است و هم عاقل و از این رو باید برای رسیدن به اهداف قانون اخلاقی در تلاش و تکاپو باشد. اگر



انسان قانون اخلاقی را به مثابه عالی‌ترین اصل رفتاری خود بپذیرد، شخص نیکی خواهد بود ولی به تنهایی قادر به این کار نیست و نیازمند موهبت الهی خواهد بود و برای برخوردار شدن از این موهبت، باید تحولی بنیادی در درون خود ایجاد کند و در این صورت، صاحب اراده نیک می‌شود. او معتقد است وارد کردن عامل تجربه در اخلاق، زیان‌بار است و اگر اخلاق با تجربه همراه شود، پاکی و نابی خود را از دست می‌دهد و دیگر سزاوار آن نخواهد بود که اراده نیک نامیده شود (کورنر، ۱۳۶۷: ۱-۳). کانت در مباحث فلسفه اخلاق خود موضوع نیت را دخالت داده و برداشت نهایی‌اش آن است که صرف خوب بودن کار اخلاقی، برای ارزشمند دانستن یک فعل کافی نمی‌باشد و خود به دنبال ریشه‌ای برای آن می‌گردد. کانت بر این باور است اراده خوب، تنها چیز قابل تصور در جهان (یا خارج از آن) است که بدون هیچ قید و شرطی ارزشمند می‌باشد. در واقع از نظر کانت تنها زمانی افعال یک عامل اخلاقی دارای ارزش اخلاقی می‌باشد که با انگیزه و نیت نیکو صورت گرفته باشد. اما از آنجا که به نهایت و غایتی صحیح توجه نکرده است، می‌توان او را نقد کرد. این که غایت و انتهای عمل اخلاقی اطاعت از وجدان و عقل است و هر نوع غایت و هدف دیگری (همچون خیرخواهی برای دیگران) رسیدن به سعادت را از بین می‌برد، از نقاط ضعف نظریه اوست. زیرا هر نیت خوبی می‌تواند انگیزه و محرک کار خوب باشد و البته باعث تحریک برای روی آوردن بیش‌تر به سوی این افعال است. کانت بین نیت و قوانین اخلاقی رابطه‌ای تنگاتنگ برقرار کرده و معتقد است که اگر فعلی بخواهد اخلاقی باشد باید نیت آن اداي تکلیف باشد و تکلیف نیز احترام به قانون است. بنابر این، رفتارهایی که با نیت و انگیزه احترام به قانون انجام شود دارای ارزش اخلاقی است. اما قرآن با در نظر گرفتن ابعاد مختلف نیت، توجه به درجات شناختی مردم و قرار دادن محرک‌های گوناگون، بستری را برای تمام انسان‌ها فراهم کرده است تا افراد با انجام افعال اخلاقی، خود را در مرتبه‌ای از تقرب به خداوند قرار دهند و به این وسیله زمینه پیشرفت خود را در راه کمال و رشد معنوی مهیا کنند. مراد از نیت اخلاقی در قرآن، یعنی قصد و اراده نیک داشتن در انجام اعمال و گزینش آن‌ها مطابق با خواست و رضایت خداوند است. اما در نظر کانت اراده نیک، یعنی اراده‌ای که مطابق با تکلیف عقلی باشد. کانت در ارزش‌های اخلاقی، یک وظیفه‌گراست، ولی دیدگاه قرآن در این رابطه سعادت‌گرایانه است. کانت وجود خدا را برای پذیرش ارزش‌های اخلاقی از سوی انسان پیش فرض دانسته، ولی قرآن وجود خداوند و نظام جزا



و پاداش او را ضمانت اجرای ارزش‌های اخلاقی محسوب می‌کند. کانت ارزش‌های اخلاقی را فی‌نفسه احکامی مطلق می‌داند ولی قرآن اطلاق ارزش‌های اخلاقی را بر اساس مطابقت با فطرت توجیه می‌کند. قرآن محرک‌های مختلفی را متناسب با هر طبقه در نظر گرفته است. شاید بتوان گفت این‌که در اسلام برای موضوع نیت اهمیتی ویژه قائل شده‌اند به دلیل این است که نیت پشتوانه علمی و فکری کار است. زیرا برای انجام کار اختیاری از اراده کمک گرفته می‌شود و هر جا که اراده باشد، از عقل نیز سخن به میان خواهد آمد. جزم‌اندیشی که در مکتب کانت نهفته است باعث طرد افراد زیادی از آن می‌شود و تمایل اخلاقی بودن و اخلاقی عمل کردن را از انسان‌ها دور می‌کند. اما قرآن اموری را به عنوان محرک برای انسان‌ها قرار داده است که اکثر مردم را بتوان به سوی اخلاقیات و افعال اخلاقی هدایت کند. بنابر این آنچه در تحصیل کمال یا نقص انسان نقش دارد، فقط نیت‌های اوست و از آنجا که کمال اختیاری انسان ارزش ذاتی اخلاقی دارد، می‌توان نتیجه گرفت که حقیقتاً فقط نیت است که ارزش‌گیری اخلاقی دارد، زیرا تنها فعلی که اصالتاً اختیاری است و اثر حقیقی در کمال یا نقص انسان دارد، نیت است و تنها نتیجه‌ای که ارزش‌گیری بر اساس آن تعیین می‌شود، کمال و نقص حاصل از فعل اختیاری برای فاعل آن است. بر این اساس، به جای آنکه بگوییم نیت در کنار نوع فعل در ارزش اخلاقی مؤثر است، دقیق‌تر آن است که بگوییم تنها نیت در ارزش اخلاقی تأثیر دارد، و البته اگر شرایط فعل بیرونی فراهم باشد و فاعل نیز آن را به درستی تشخیص داده باشد، ضرورتاً و تنها همان فعلی از او صادر می‌شود که با آن نیت تناسب داشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری

از منظر قرآن، نهج البلاغه و کانت، انسان موجودی مختار و آزاد در افعال خود است با این تفاوت که انسان در نظام اخلاقی قرآن و نهج البلاغه، بیش‌تر از مکتب اخلاقی کانت احساس مسئولیت می‌کند. در مورد واقعیت‌های اخلاقی هم قرآن و نهج البلاغه و هم کانت در ناواقع‌گرایی ارزش‌های اخلاقی وجه مشترک دارند، با این تفاوت که قرآن و نهج البلاغه سرچشمه ارزش‌های اخلاقی را خداوند متعال می‌داند ولی کانت آن را به عقل آدمی نسبت می‌دهد. از نظر قرآن و نهج البلاغه اراده نیک، یعنی اراده انجام فعل اخلاقی بر مبنای رضایت خداوند متعال و عمل بر اساس تکالیف اخلاقی که در شرع مقدس اسلام تعیین شده است، ولی کانت معتقد است که اراده

خیر اخلاقی، همان اراده انجام تکلیف است. کانت معتقد به حسن فاعلی و ارزش‌گذاری افعال بر اساس آن است و این حسن فاعلی را به نوعی پاسخ به اطاعت از عقل می‌داند، ولی قرآن ارتباط درونی فاعل با خداوند متعال را به عنوان ملاک ارزشمندی اعمال می‌داند. کانت هیچ‌گونه توجهی به حسن فعلی نکرده است، اما نظام اخلاقی قرآن و نهج‌البلاغه حسن فعلی و حسن فاعلی را توأمان در نظر گرفته است و ارزش‌های اخلاقی به وسیله نیت با خداوند متعال تعریف می‌شوند. نیت به نوعی روح ارزش اخلاقی محسوب می‌شود و تحقق آن منوط به ایمان است. متعلق نیت و ریشه ارزش‌ها در ایمان به خدا و روز حساب است اما کانت این متعلق نیت را در احترام به عقل می‌داند و معتقد است کار اخلاقی، کاری است که به انگیزه اطاعت از عقل صورت می‌گیرد. از دیدگاه قرآن کریم و نهج‌البلاغه، عملکرد اخلاقی توسط ایمان ایجاد می‌گردد ولی در دیدگاه کانت، عملکرد اخلاقی توسط عقل و قوانین عقلی ایجاد می‌شود. قرآن و نهج‌البلاغه یک مکتب غایت‌نگرایانه‌ای را در زمینه نیت برای انسان تدوین کرده که رسیدن به مقام عبودیت همان برترین غایت است. نیت اخلاقی در قرآن و نهج‌البلاغه حول محور خداوند می‌چرخد، اما در دیدگاه کانت اومانستی و سکولار است. نیت اخلاقی کانت به نوعی نیت بدون روح و مرده محسوب می‌شود که فاقد ضمانت اجرایی لازم است اما نیت اخلاقی که قرآن و نهج‌البلاغه در مورد آن صحبت می‌کند مطابق با فطرت انسانی و دارای ضمانت اجرایی بالاست و به نوعی پویا و متحرک است.





منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، بی‌جا، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲. ابوحیان، محمدبن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بی‌جا، بیروت: دارالفکر.
۳. اخوان، محمد، ۱۳۷۳ش، *مقایسه اخلاق کانت و اخلاق اسلامی*، قم: انتشارات شرق.
۴. آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، ۱۳۶۶ق، *عمر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. امینی، احمد، ۱۳۸۷ش، *دیدگاه کلامی اهل سنت: ترجمه شرح عقاید تفتازانی و نسفی*، سندج: انتشارات کردستان.
۷. باربور، ایان، ۱۳۸۵ش، *علم و دین*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. برقی، احمدبن محمد بن خالد، ۱۳۳۰ق، *المحاسن*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۹. ترمذی، ابوعلی، ۱۹۹۴م، *سنن ترمذی*، بیروت: انتشارات العصریه.
۱۰. جعفری، محمدتقی، (بی‌تا)، *بررسی و نقد افکار راسل*، تهران: بی‌نا.
۱۱. دراز، عبدالله، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۷م، *دستور الاخلاق فی القرآن*، ترجمه به عربی: عبد الصبور شاهین، بیروت: دارالبحوث العلمیه.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۶۴ش، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. رازی، فخرالدین، ۱۹۸۶م، *الاربعین فی اصول الدین*، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
۱۴. زندانی، عبدالمجید، ۱۳۸۳ش، *حقیقت ایمان*، ترجمه: یعقوب خوش‌خبر، تهران: نشر احسان.
۱۵. ژیلسون، اتین، ۱۳۷۴ش، *خدا و فلسفه*، ترجمه: شهرام یازوکی، تهران: انتشارات حقیقت.



۱۶. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۳ش، *حکمت و معیشت*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۷. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، (بی تا)، *بحرالعلوم*، بی جا، بی نا.
۱۸. صانع پور، مریم، ۱۳۸۱ش، *فلسفه اخلاق و دین*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ق، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵ش، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ق، *الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز*، تحقیق: مالک محمودی، قم: دارالقرآن الکریم.
۲۳. فراست، اس، ای، ۱۳۸۷ش، *درس های اساسی فلاسفه بزرگ*، ترجمه: منوچهر شادان، تهران: انتشارات بهجت.
۲۴. فروغی، محمدعلی، ۱۳۷۵ش، *سیر حکمت در اروپا*، تهران: انتشارات زوار.
۲۵. قرضاوی، یوسف، ۱۳۷۹ش، *نیت و اخلاص*، ترجمه: عمر قادری، تهران: نشر احسان.
۲۶. قرضاوی، یوسف، ۱۴۰۹ق، *الخصائص العامه للاسلام*، بیروت: انتشارات الرساله.
۲۷. قطب، محمد، ۱۳۷۹ش، *مفاهیم بنیادی اسلام*، ترجمه: لقمان محمودپور، تهران: انتشارات احسان.
۲۸. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۷ق، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۹. کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۰ش، *کانت*، ترجمه: منوچهر بزرگمهر، تهران: انتشارات علمی و مرکز نشر دانشگاهی.
۳۰. کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶ ق، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
۳۱. کاظمی، جواد بن سعید، ۱۳۶۵ق، *مسالك الأفهام الی آیات الأحکام*، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.



۳۲. کانت، ایمانوئل، ۱۳۶۹ش، *بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق*، ترجمه: حمید عنایت و علی قیصری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۳. کانت، ایمانوئل، ۱۳۸۵ش، *نقد عقل عملی*، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران: انتشارات نور الثقلین.
۳۴. کانت، ایمانوئل، ۱۹۶۵م، *تمهیدات*، ترجمه: غلامعلی حداد عادل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. کورنر، اشتفان، ۱۳۸۰ش، *فلسفه کانت*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، لبنان: مؤسسه الوفاء.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. محمودی، علی، ۱۳۸۴ش، *فلسفه سیاسی کانت*، تهران: انتشارات اقبال.
۴۰. مدنی، سید علیخان، ۱۴۰۹ق، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. مرعشی، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
۴۲. مشکینی، علی، ۱۳۸۰ش، *درس‌های اخلاق*، ترجمه: علی‌رضا فیض، قم: پارسیان.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۳ش، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۰ش، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ش، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۷. نیشابوری، حسن بن محمد، ۱۴۱۶ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۴۸. باقریان خوزانی، محمد؛ رجبی، محمود، ۱۳۹۳، «تأثیر نیت بر ارزش اخلاقی عمل از دیدگاه قرآن کریم»، *قرآن شناخت*، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، صص ۹۵-۱۱۴.
49. Fackenheim, Emil (1992). "Kant and Radical Evil", Immanuel Kant: critical Assessments vol. 3. Ed. Ruth Chadwick. London : Routledge. 259-273.